

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از : مرحوم فیض محمد "عاطفی"

فرستنده : نعمت الله مختارزاده

29 جون 2012

پرو فیسر عشق

سروده ای از مرحوم مغفور فیض محمد خان "عاطفی"

شب که گیسوی ترا ، سلسله جنبان دیدم
تادل شب بخدا ، خواب پریشان دیدم
نگه دزد ترا ، با شرر آمیخته اند
ز آنکه صد قافله دل را همه بریان دیدم
تا شدم با خبر از پیچ و خم ناز و نیاز
زندگی را به اجل مشیت و گریبان دیدم
نتوان یافت ، به نوشیدن صد جام شراب
ذوق و لطفی که از آن گردش چشمان دیدم
پخته عشق نگوید (دگر) از حرف وصال
من به وصل تو بسی زحمت و هجران دیدم
حاش الله که دهم ، دل به دلارام دگر
من که دیوانه نیم از تو چه نقصان دیدم

من که استاد و ، پروفیسر عشقم به جهان
چه بگویم که ترا فتنه دوران دیدم
مسک عاشق بیچاره همین سوختن است
« عاطفی » را همه جا دیدم و سوزان دیدم

تذکر:

این غزل آبدار مرحوم "عاطفی صاحب" را شاعر نامدار وطن و همکار
گرانقدر پورتال، جناب "نعمت جان مختارزاده" تخمیس کرده است، که
همدرین صفحه از نظر مبارک خواننده گرامی خواهد گذشت!!!